

در قاب دوربین

فرانسیس بیکن

عکاسی، فیلم و تمرین نقاشی

نویسنده: مارتین هرپسون

مترجم: کیهان ولی نژاد



فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۲۱	پس از پیکاسو
۲۸	فعالیت‌های طراحی
۳۱	تصاویر متحرک
۳۳	مجدوبیت
۴۲	شمایل‌نگاری
۴۷	موفقیت تازه
۵۵	سیناپس
۶۷	میکل آنژ و مایبریج
۷۱	اپتیک ناخودآگاه
۷۴	شوگ دوربین
۷۷	چشم و لنز
۷۹	عکاسی و هنر مدرن در بریتانیا
۹۹	ماده‌ی اولیه خام
۱۰۲	بازنگری‌ها
۱۱۳	عکس‌های فیلم
۱۱۷	القای حرکت
۱۲۵	طیف
۱۳۰	عکاسان
۱۳۷	در قاب دوربین
۱۴۱	محدوده

۱۴۶	جو
۱۶۲	در باب زمینه‌های انتزاعی
۱۸۰	بازگشت ویژگی‌ها
۱۸۵	به کارگیری عکس‌ها
۲۲۳	پوست / سینما
۲۲۴	حیوانات
۲۲۸	دوربین و کیمرا
۲۳۲	نفس بریده
۲۳۷	حصارهای ارتباط
۲۴۰	مسرت
۲۴۷	بسترگناه
۲۵۳	زنان
۲۵۹	سرپوش
۲۶۷	یادداشت‌ها
۲۸۳	نمایه

پس از پیکاسو

فرانس بیکن، پسر دوم خانواده‌ای پروتستان، در ۲۸ اکتبر ۱۹۰۹ در زایشگاهی خصوصی واقع در دوبلین متولد شد. پدرش آنتونی ادوارد مورتیمر بیکن^۱ و مادرش کریستینا وینفرد لاکسی بیکن^۲ نام داشتند، آن‌ها در کنی کورت هاوس^۳، ایالت کیلدیر^۴، زندگی می‌کردند، پدرش سروان بازنشسته‌ی ارتش بود که اسب‌های مسابقه‌یی تربیت می‌کرد. فرانس بیکن همان نزدیکی‌ها در کلیسایی به نام سن پاتریک، کارنال وی^۵، غسل تعمید داده شد. جنبه‌ی جالب توجه این منطقه - صرف نظر از نام غریب این دهکده - قرار داشتن آرامگاه خانواده‌ی لاتوش^۶ در آن بود؛ رُز لاتوش از سن ده سالگی محبوب جان راسکین^۷ بود و مرگاش در ۱۸۷۵ راسکین را به جنون کشاند.

خانواده‌ی بیکن مدام از این خانه به آن خانه می‌رفتند و در استرافان لژ، نزدیک سلبریج - بود که پدرش پس از دیدن او در لباس زیر مادرش، وی را در سن ۱۶ سالگی از خانه بیرون کرد. او ماه‌ها در گوشه و کنار لندن آواره و سرگردان بود و خرده‌کاری‌های مختلفی انجام داد تا به سه پوندی که هفتگی از مادرش می‌گرفت چیزی بیافزاید. تا این که در ۱۹۲۷ برنامه‌ای فراهم شد تا همراه یکی از پسران جوان فامیل به برلین برود؛ پدرش امیدوار بود این جوان فرانس بیکن را از بیماری هم‌جنس‌گرایی برهاند اما غافل از آن که خود او فرانس بیکن را بیش‌تر گمراه کرد.

1. Anthony Edward Mortimer Bacon

2. Christina Winifred Loxley Bacon

3. Canny Court House

4. Co. Kildare

5. St Patrick Carnalway

6. La Touche

7. John Ruskin



106. FRANCIS BACON
Cruifixion. 1933



107. PABLO PICASSO
Baigneuse. 1929

۱۶. مطلب دو صفحه‌ای از کتاب هنر اکنون، هربرت رید، ۱۹۳۳ (نسخه‌ی اصلاح شده‌ی ۱۹۴۸ که در آن، جای تصاویر پیکاسو و بیکن با هم عوض شده است)

پس از گذشت دو ماه، فرانسیس به پاریس سفر کرد و در آن‌جا به دیدن نمایشگاه پیکاسو در گالری پل رزنبرگ^۱ رفت که به اذعان خودش، شوق نقاش شدن را در او برانگیخت؛ با این‌که تقریباً تمام این نمایشگاه شامل طراحی‌های نئوکلاسیک بود تا طراحی‌های پیکاسو، اما بیکن تصاویر سوررئالیستی و زنده‌ریختی^۲ شناگرها در آن را، که نمایش آنها در تابستان ۱۹۲۷ در کن آغاز شد و پس از یک سال وقفه تا ۱۹۳۲ ادامه یافت، ستود. همین فیگورهای تغییر ریخت یافته^۳ نقطه‌ی آغاز شکل‌گیری گنجینه‌ی فرم‌ها و مفاهیم بیکن بود. دلالت‌های روان‌شناختی ضمنی به فضاهای محصور و بسته‌ی کلبه‌های ساحلی (کاباناس) پیکاسو و یادبودارگی^۴ فیگورها که بسیاری از آنها به مثابه‌ی طرح‌هایی از مجسمه‌های ممکن تصور می‌شدند، توان و نیرویی ماندگار در بیکن به وجود آوردند. در ۱۹۶۲، او گفت که فرم‌های ارگانیک پیکاسو با وجود ارتباط با تصویر انسان، «شکل سراسر تغییر یافته‌ی آن» هستند - (۱) و چندان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. وی بارها نقش مایه‌های فرویدی آنها را،

1. Pawl Rosenberg

2. biomorphic

3. Metamorphic

4. monumentality